مناقشه حجاب، لایحه آزادی تجمعات، فیلترینگ و کمیته پیگیری اعتراضات در گفت‌وگو با دستیار آزادی‌های اجتماعی رئیس‌جمهوری

با بررسی لایحه حجاب براساس اصل ۸۵ مخالفم

در حوزه حجاب و قانون‌گذاری برای حجاب، باید به عقلانیت برسیم

میلاد علوی. مرجان زهرانی: ششم اسفند ماه، ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس دولت سیزدهم «سیکنه‌سادات پاد» را به عنوان «دستیار رئیس‌جمهوری در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی» منصوب کرد. سمتی که تا پیش از این وجود خارجی نداشت و احتمالا نزدیک‌ترین عناوین به آن، شورای قانون اساسی تشکیل‌شده در دولت سیدمحمد خاتمی و دستیار حقوق شهروندی در دولت حسن روحانی است. آنچه در زیر می‌خوانید، بخش‌هایی از گفت‌وگوی خبرنگاران «شبکه شرق» با دستیار رئیسی در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی است که مشروح این گفت‌وگو به‌صورت هم‌زمان در سایت «شرق» منتشر شده. در جریان این گفت‌وگو، دستیار رئیس‌جمهور به سؤال‌هایی درباره مناقشات بر سر حجاب، لایحه برگزاری تجمعات، کمیته پیگیری اعتراضات ۱۴۰۱، فیلترینگ گسترده در ایران و... پاسخ می‌دهد:

عکس: سهند نائی، شرق

◆ گفت‌وگو را با پرسشی درباره مقام شما آغاز کنیم. اساسا در جمهوری اسلامی سابقه نداشته که رئیس دولتی، دستیار پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی داشته باشد. این مقام از کجا آمده و وظایف شما چیست و اینکه اقداماتتان، چه ضمانت اجرائی دارد؟

احتمالا یکی از نزدیک‌ترین سمت‌ها به پست من، دستیار حقوق شهروندی است که در دولت آقای روحانی مطرح بود و در این دوره هم با انتخاب دستیار حقوق و آزادی‌های اجتماعی، شاهد ارتقای آن بودیم. عنوان دقیق سمت من «دستیار رئیس‌جمهوری در پیگیری امور و آزادی‌های اجتماعی» است. جایگاهی است کاملا تازه‌تأسیس و تازه‌بنیاد. در کمتر از یک خط، وظیفه من، دفاع از حقوق مصرح مردم در قانون اساسی است، به‌ویژه در فصل سوم قانون اساسی. تمرکز حکم و مأموریت من هم بر چند مفهوم از جمله حق آزادی بیان، آزادی اجتماعات، حریم خصوصی، پیگیری حقوق مادی و معنوی زنان و دفاع از حقوق ملت ایران در مجامع بین‌المللی و حقوق بشری است. همین مورد آخر، تفاوت مسئولیت من با دستیار حقوق شهروندی است. اساسا حقوق شهروندی مربوط به اتباع یک کشور است ولی در موضوع پیگیری حقوق ملت ایران، موضوع مجامع بین‌المللی و حقوق بشری هم مطرح می‌شود.

مسئولیت من تفاوت مشخصی با معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری هم دارد. معاونت حقوقی، عمده وظایفش، ناظر بر دعاوی مطرح علیه دولت است اما در مقوله مسئولیت «حقوق و آزادی‌های اجتماعی»، وظیفه ما استفاده از مکانیسم‌های حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی برای احقاق حقوق مردم ایران است. مثلا یکی از اقدامات مدنظر ما، استفاده از ظرفیت گزارشگران موضوعی حقوق بشر است. در موضوع سردشت، همین اتفاق افتاد و ما از ظرفیت گزارشگران موضوعی حقوق بشر استفاده کردیم. ما سفری به این شهر داشتیم، نه برای تجلیل یا اقداماتی از این دست بلکه برای مأموریت حقوقی. در این مأموریت، شروع کار با برنامه‌ریزی برای حدود ۱۰۰ پرونده حقوقی برای هم‌وطنان شیمیایی بود که این پرونده‌ها می‌تواند از طریق استفاده از ظرفیت‌های گزارشگران موضوعی حقوق بشر پیگیری شود. علاوه بر آن، برخی پرونده‌های سردشت به عنوان اولین شهر شیمیایی‌شده، از طریق مجامع حقوق بشری که بعضا صلاحیت صدور رأی در این حوزه را دارند هم پیگیری خواهند شد. البته بخشی از این مأموریت با وزارت امور خارجه و حتی معاونت حقوقی مشترک خواهد شد.

◆ در صحبت‌هایتان، به آزادی‌های مردم اشاره کردید و امروز هم لایحه حجاب مطرح است. پرسش من از شما آن است که لایحه ۱۵ ماده‌ای تهیه‌شده در دولت در موضوع حجاب را چطور ارزیابی می‌کردید؟

من هیچ نقش و نظر مستقیمی در تهیه لایحه حجاب، چه لایحه‌ای که در قوه قضائیه تهیه شد و چه لایحه‌ای که در دولت تهیه شد، نداشتم. با این حال، لایحه ۱۵ ماده‌ای را که به مجلس ارائه شد، بیشتر مبتنی بر قواعد حقوقی می‌دانم اما به عنوان فردی که حقوق خوانده، همان لایحه را هم دارای نقد می‌دانم و معتقدم که می‌شد آن لایحه را هم حقوقی‌تر و دقیق‌تر نوشت. لایحه ۷۰ ماده‌ای فعلی هم به نظرم ایرادهای فراوانی دارد.

◆ گفتید لایحه دولت با قواعد حقوقی همخوانی بیشتری داشت اما خب در همان لایحه، آنچه عیان بود، ایجاد تبعیض ناروا میان زنان با حجاب و بی‌حجاب از دید طراحان لایحه بود. این موضوع را می‌پذیرید؟

عرض کردم که همان لایحه هم قابلیت بهترشدن را داشت به‌هرحال تصمیمی بود که در دولت گرفته شده بود و من نقشی در نگارش و تهیه آن نداشتم. اما می‌شد که بهتر از این نوشت و بیشتر روی آن کار کرد. این نظرات شخصی من است اما فراموش نکنیم که همان لایحه هم، ۹ ماده‌اش در قوه قضائیه نوشته شده بود و شش ماده‌اش در دولت تهیه شد. کلیت ماجرا هم این است که یک لایحه در دو قوه تهیه شده و با طی فرایند قانونی، به مجلس ارسال شده است.

◆ به این ترتیب نگاهتان به لایحه ۷۰ ماده‌ای تهیه‌شده در مجلس چیست؟ انتقادات بسیاری به این لایحه چه از حیث تعداد مواد و چه از حیث سنگینی جرائم در نظر گرفته‌شده، مطرح شد، شما آن را چطور ارزیابی می‌کنید و چه تناسبی با حقوق و آزادی‌های اجتماعی داشت؟

به عقیده من، برخی مواد لایحه، حتما باید تغییر کند. این نکته را هم بگویم که با بررسی این لایحه براساس اصل ۸۵ قانون اساسی مخالفم. معتقدم این لایحه باید در صحن علنی مطرح شود و روند معمول را طی کند. هر قانونی، اگر بخواهد قانونی کارآمد و مورد پذیرش عموم مردم باشد، باید توانایی حل مسائل را داشته باشد، یعنی هدف از نگارش قانون، حل مسئله باشد، بنابراین هرچقدر جامعه نخبگانی درباره یک لایحه بیشتر اظهار نظر کند، مفیدتر خواهد بود. یک روشی در دوران حضور آقای رئیسی در قوه قضائیه برای تهیه لایحه «امنیت و کرامت زنان» که امروز در کمیسیون اجتماعی مجلس بلاتکلیف است، در پیش گرفته شد که روش مفیدی بود. آقای رئیسی تعهد کرد که شش‌ماهه آن لایحه را به سرانجام برساند و هم‌زمان از جامعه نخبگانی خواست درباره این لایحه اظهارنظر کنند. آن روش، روش بسیار مناسبی بود. خاطرم هست که آن زمان از طیف‌های سیاسی مختلف هم نظرخواهی شد تا این لایحه تهیه شد. این اقدام باید به یک روند در کشور تبدیل شود تا از نخبگان واقعی کشور برای تهیه لوایح نظرخواهی شود. آن زمان است که قانون ما، قانونی واقعی خواهد شد و کارکرد حقیقی خودش یعنی حل مسئله را خواهد داشت. علاوه بر این، آن زمان، مخاطب قانون که درباره این لایحه زنان خواهند بود هم قطعا راضی‌تر خواهند بود، چراکه احساس می‌کنند این قانون، همه حیطه‌ها را در بر گرفته و من به عنوان یک زن، احساس نمی‌کنم که قانون مصوب، حقی را از من تضعیف کرده است.

بنابراین به‌طور کلی با بررسی لایحه حجاب براساس اصل ۸۵ قانون اساسی مخالفم، چراکه ۷۰ ماده تهیه‌شده از سوی مجلس، خیلی نیاز به کار دارد و ایرادات بسیاری در آن دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه در این لایحه، تکالیف قانونی‌ای برای برخی دستگاه‌ها دیده شده، این در حالی است که پیش از این، ۳۲ دستگاه در زمینه حجاب مسئولیت داشتند. امروز برای نگارش قانون در این حوزه، ابتدا باید بدانیم که آن دستگاه‌ها، چه اقداماتی انجام داده‌اند سپس به وضع تکالیف جدید بپردازیم. علاوه بر این، همان‌طورکه رهبری گفتند، بسیاری از زنان ما در زمره قربانیان هستند و حتی اگر ملاک مجازات، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات باشد، ممکن است تبرئه شوند چراکه برای تحقق جرم، عناصری چندگانه باید وجود داشته باشند.

علاوه بر این، در لایحه ۷۰ ماده‌ای حجاب تهیه‌شده در مجلس، معتقدم که اصل شخصی‌بودن جرائم و مجازات‌ها باید رعایت شود، ولی این اتفاق رخ نداده است. جرم‌انگاری‌های گسترده‌ای برای زنان در نظر گرفته شده ولی به نظر می‌رسد به موضوع عفاف کمتر پرداخته شده است. به طور کلی اصول مبنایی حقوقی در این لایحه به خوبی رعایت نشده و نیازمند دقت نظر بسیار زیاد است و امیدوارم این اتفاق رخ دهد البته پس از آنکه برای بررسی به صحن علنی واگذار شد نه کمیسیون اصل ۸۵. همچنین در این لایحه تناسب جرم و مجازات در نظر گرفته نشده که بازهم باید این اتفاق رخ دهد و من به عنوان دستیار رئیس‌جمهوری و همچنین یک حقوق‌دان، برای تحقق این موضوعات پیگیری خواهم کرد.

◆ آنچه در تمام این سال‌ها شاهدش بودیم، تلاش برای برخوردهای انتظامی با موضوع حجاب است. لوایح هم از قرار معلوم با این نگاه نوشته شده‌اند. شما تا چه حد به برخوردهای انتظامی اعتقاد دارید و به نظرتان بهتر نیست اقدامات فرهنگی در این زمینه صورت بگیرد؟

به عنوان دستیار رئیس‌جمهوری، این نکته را عرض می‌کنم که نگاه فرهنگی به مسئله حجاب، همان نگاه آقای رئیسی است. رئیس‌جمهوری در حرم امام، سخنرانی‌ای داشتند که پاسخ به همین سؤال شماست. آنجا بحث قانونی و فرهنگی درباره حجاب را مطرح کردند. واقعیت آن است که اگر نگاه فرهنگی و قانونی به موضوع حجاب توأم با هم نباشد، کارآمد نخواهد بود. در حال حاضر، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات به عنوان رکن قانونی وجود دارد ولی پرونده زیادی با استناد به این ماده برای زنان تشکیل نشده بود. اما به لحاظ فرهنگی، اقدامات خوبی صورت نگرفت. کار فرهنگی، اساسا کاری بلندمدت و طولانی است. ما امروز با مسئله‌ای مواجه شده‌ایم که برخی به آنان می‌گویند «مکشفه». در لایحه ۱۵ ماده‌ای که در دولت تهیه شده بود، واقعیت آن است که از موضوع «حجاب شرعی» تا حدی عدول شده بود و به سمت «حجاب عرفی» رفته بود. به عبارتی از این حد شرعی که الان درمورد بنده می‌بینید یعنی وجه و کفین عدول کرده بود. اینکه آن لایحه قابل دفاع بود یا نبود، با توجه به اینکه من هیچ نقشی در تهیه آن نداشتم، موضوع دیگری است ولی به عنوان یک فرد، انتقاداتی به آن دارم اما فراموش نکنید که اصل لایحه در قوه قضائیه بود. به طور کلی موافقم با اقدامات فرهنگی درکنار اقدامات قضائی در موضوع حجاب. مثلا یکی از موضوعاتی که باید پیگیری شود، ترک فعل همان دستگاه‌هایی است که در زمینه حجاب، مسئولیت داشتند. اما به‌هرحال موضوعی است که باید پیگیریم. من می‌خواهم برای شما مثال بزنم، مثلا در فرانسه، این شرط وجود دارد که باید قوانین از اصول لائیسیته پیروی کند. اصول لائیسیته می‌گوید که هرگونه اقداماتی که نمادی از دین باشد، ممنوع است و محکم هم پای این اصول می‌ایستد. آن‌قدر هم محکم پای این اصل ایستادگی می‌کند که حتی کنوانسیون حقوق کودک را هم نقض می‌کند. در ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک، تأکید شده که کودک ازجمله گروه‌های دارای مصلحت قیمومیت‌آمیز است. به این معنا که نیاز دارند به اینکه بزرگ‌تری از آنان مراقبت کند. همچنین کودکان و زنان مخاطب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو هم هستند؛ ولی فرانسه، برای ایستادگی پای اصول لائیسیته و برای نبودن حجاب به‌عنوان یکی از نمادهای دین اسلام، می‌گوید در مراکز آموزشی و تفریحی، کودک نباید به همراه پدر یا مادری که نمادهای دینی به همراه دارد، حاضر شود و اگر هم حاضر شد، باید از حضورشان ممانعت کند؛ یعنی کودک در دوران کودکی‌اش از تفریح و شادی منع می‌شود، به‌این‌دلیل که مادرش نمی‌تواند او را همراهی کند.

اما در جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا، قانون اساسی ما و قانون فعلی، آورده که حجاب یکی از اصول من است. در کلام دیگر، عقل بشری برای هر نظام سیاسی، اصولی را پذیرفته است. در جمهوری اسلامی هم حجاب جزء همین اصول است.

◆ قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته حجاب جزء اصول من است؟!

نه! به طور مستقیم نگفته؛ اما وقتی در اصل ۴ قانون اساسی گفته شده که تمام قوانین باید ابتنای به شریعت داشته باشد. شریعت یعنی چی؟ شریعت می‌گوید که حجاب یکی از اصول اسلام است. همین است دیگر!

◆ به نظرتان این دیدگاه و قانون برخاسته از این دیدگاه، قابلیت اجرا دارد؟

اینکه قابلیت اجرا دارد یا ندارد، بحثی است که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان باید درباره‌اش اظهارنظر کنند. من قائل به این هستم که قانون خوب، از سوی جامعه‌شناس، روان‌شناس، ادیب و حقوق‌دان نوشته می‌شود. اینکه چه اتفاقی افتاده که ما و به طور کلی جامعه ایرانی ما، که اساسا از دیرباز مشکلی با حجاب نداشته و حتی انگاره‌های ذهنی همه ما از دوران کودکی، مادربزرگانی است با چادرهای رنگارنگ، به این روز افتاده، بحث‌هایی اساسی است که برای پاسخ به آن، هم باید به سراغ نهادهای متولی رفت و هم جامعه‌شناسان. واقعیت آن است که جای خالی کار فرهنگی در زمینه حجاب به‌خوبی احساس می‌شود. کار فرهنگی‌ای که باید می‌بود؛ ولی نبود؛ اما به طور کلی درباره اینکه قانون حجاب و لایحه حجاب و عفاف از این به بعد قابلیت اجرا دارد یا خیر، باید درباره‌اش گفت‌وگو کنیم. درباره حدودش و جرائم و سایر زمینه‌هایش باید گفت‌وگو کنیم. حرف من این است که امروز، موضوع از مرز حجاب فراتر رفته و به مرز برهنگی رسیده است. شما هم می‌بینید. ما امروز درباره پوشش صحبت می‌کنیم و صحبت‌کردن از پوشش بسیار متفاوت از صحبت‌کردن درباره حجاب است. واقعیت آن است که ما باید به یک عقلانیت در حوزه حجاب برسیم. این عقلانیت در حوزه قانون‌گذاری هم باید وجود داشته باشد. یکی از نمودهای آن هم تناسب جرم و مجازات است که حتما باید رعایت شود. نمود دیگرش، رعایت اصل شخصی‌بودن جرائم و مجازات‌هاست... . عرض من این است که اینها، دقیقا موضوعاتی است که باید بنشینیم و بر سر آن با هم گفت‌وگو کنیم و به فهم مشترکی از مسئله برسیم و سپس به دنبال راهکار آن باشیم. ما باید در زمینه حجاب به راهکاری برسیم که انسجام اجتماعی ایجاد کند.

◆ با وجود صحبت‌های شما، امروز شاهد بازگشت گشت ارشاد به خیابان هستیم و هم‌زمان برای مجازات زنان به قول خودشان بی‌حجاب و بدحجاب، به اتهاماتی مانند ترویج فساد و فحشا استناد می‌کنند. این موارد را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ببینید، زدن اتهام ترویج فساد و فحشا به یک نفر به این سادگی نیست. این موضوع را صادقانه عرض می‌کنم که نظر آقای رئیس‌جمهوری هم این نیست. اگر قرار بر چنین چیزی باشد، ورودی پرونده‌ها به قوه قضائیه بسیار زیاد خواهد بود. اتهام ترویج بسیار اتهام سختی است.

◆ خانم پاد! توییت‌کردن را مصداق ترویج در نظر گرفته‌اند و از بازداشت فرد فیلم تهیه کرده‌اند!

توییت؟ چه توییتی؟!

◆ انتشار یک تصویر در آینه مترو که فرد روسری سرش نیست. این مصداق ترویج فساد و فحشاست؟

ببینید، امروز ما چیزی تحت عنوان فضای مجازی نداریم و حقیقی شده است؛ چون بخشی از زندگی افراد در آنجا در جریان است؛ بنابراین برای اینکه بدانیم این اقدام مصداق ترویج هست یا نیست، باید بدانیم که آن فرد چقدر منشأ اثر است. اگر مثلا من به‌عنوان دستیار رئیس‌جمهوری چنین کاری بکنم، احتمالا مصداق ترویج است.

◆ مسئله ترویج نیست، مسئله ترویج فساد و فحشاست. این اقدام مصداق ترویج فساد و فحشاست؟

نه! این دقیقا از موضوعاتی است که قاضی باید درباره آن اظهارنظر کند. ممکن است یک قاضی، برای این اقدام، چنین حکمی صادر کند؛ ولی من نمی‌خواهم از اشتباهاتی که احتمالا رخ می‌دهد یا چنین حکمی دفاع کنم. قاضی استقلال رأی دارد؛ ولی شخص رئیس قوه قضائیه هم گفتند که آرا و احکام قضات عقلانی باشد؛ یعنی این‌طور نباشد که وهن قوه قضائیه را به ذهن متبادر کند؛ ولی متأسفانه آرایی داشتیم که برخی مشاغل و افراد را تحقیر می‌کرد و من هم مانند دیگر حقوق‌دانان به آنها نقد داشتم. همچنین داشتیم آرایی که کرامت انسانی افراد را نقض می‌کرد و من هم به‌عنوان یک شخص حقیقی و هم به‌عنوان یک شخص حقوقی، به آن نقد داشتم. رئیس قوه قضائیه هم به این آرا نقد دارد و نوعا هم این آرا در محاکم بالاتر قضائی نقض می‌شود.

◆ نشانه‌هایی هست که مسئولان باید برای تدوین قوانین در نظر بگیرند. یکی از این نشانه‌ها تشکیل چندین هزار پرونده حجاب در همین دوره بوده است. شما هم بین صحبت‌های‌تان از حرکت به سمت برهنگی گفتید. اینها نشانه است و حاکی از آن است که حجاب از تعریف مدنظر حاکمیت خارج شده و به سمت حجاب عرفی در حرکت است. طبیعتا این نشانه‌ها باید در تدوین قوانین در نظر گرفته شود، سؤال من این است که اولا این نشانه‌ها در تدوین قوانین به نظر شما رعایت شده و اینکه نگاه شما به مقوله حجاب عرفی، چیست.

ببینید، پدیده‌های اجتماعی را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند. در موضوع حجاب هم همین‌طور است. شخصا همه اتفاقات رخ‌داده در موضوع حجاب را ناشی از بی‌اعتقادی افراد نمی‌دانم. هرگز هم نمی‌توانم بگویم که مردم بی‌اعتقادند و اتفاقا به‌همین‌دلیل هم رهبری می‌گویند که این زنان، دختران ما هستند. من به مقوله بی‌حجابی نقد دارم؛ چراکه معتقدم یکی از مؤلفه‌های دموکراسی، پایبندی به اصول مدنیت است. یکی از اصول مدنیت، قانون‌مداری است؛ به‌همین‌دلیل هم نقد دارم که چرا دختر فرهیخته ما، وقتی می‌داند فلان چیز قانون است، احترام به آن نمی‌گذارد. البته با این قیاس‌ها که می‌گویند همان‌طور که کمربند ایمنی اتومبیل را جا انداختیم، حجاب را هم باید جا بیندازیم، مخالفم؛ چراکه اساسا دو جنس متفاوت از هم هستند. اشکال از من چادری و محجبه و حاکمیت بوده که نتوانستم حجاب را آن‌طور که باید برای دختران تبیین کنم و حالا او چیز دیگری را انتخاب کرده است.

معتقدم که بخشی از حجاب عرفی در همان لایحه ۱۵ماده‌ای دولت به رسمیت شناخته شده بود؛ چراکه اگر بحث حجاب شرعی بود، می‌شود همین چادر و لباسی که من به تن دارم؛ چراکه در حجاب شرعی و فقه، فقط کفین مشخص است و صورت؛ اما این‌طور نیست. این را هم دیدیم که همان گشت ارشادی که شما گفتید، به خانمی که کمی موهایش بیرون است؛ به‌هیچ‌عنوان تذکر نمی‌دهد و بازداشتش نمی‌کند، می‌کند؟

◆ مهسا امینی!

ببینید، خانم امینی موضوع متفاوتی بود و باید جداگانه درباره آن صحبت کرد. اتفاقی افتاد که من شخصا بسیار بابت آن متأسفم و عمیقا بابت آن غمگینم. دختری از دختران ایران بود که خیلی زود از این دنیا رفت و این جهان را تجربه نکرد. او موضوعی جداست. حقیقتا این‌طور نبود که گشت ارشاد به کسی که موهایش بیرون باشد، گیر بدهد؛ یعنی همه جامعه ما حجاب‌شان، همان حجاب شرعی بود؟ نبود. ما مشکلی داشتیم؟ نداشتیم! بحث همان است که خودتان گفتید، قابلیت اجرای قانون. حاکمیت هم پذیرفته بود و کفین و صورت قابل اجرا نیست؛ اما امروز مشکل آن است که به مرز برهنگی رسیده‌ایم. ببینید، در جامعه کسانی هستند که می‌گویند ما نمی‌توانیم این برهنگی را تحمل کنیم، اینها را هم باید بپذیریم دیگر. آنها هم نظری دارند. آنها هم افراد همین کشور هستند. اگر قرار بر شنیدن همه قرائت‌ها باشد، باید اینها را هم بشنویم. من نمی‌گویم همه نظرات آنان صحیح است؛ اما مسئله آن است که باید به یک فهم مشترک درباره حجاب برسیم. اسم این فهم مشترک را هر چیزی می‌توانیم بگذاریم، چه حجاب عرفی باشد، چه چیز دیگر. مهم آن است که به یک فهم مشترک برسیم و آن فهم مشترک در قانون ذکر شود. آن زمان است که قانون ما، مقبولیت اجتماعی خواهد داشت. باید این مقبول اجتماعی را همه به آن تمکین کنند.

◆ تحلیل شما از قانونی که بارها نقض می‌شود که حاکمیت تصمیم می‌گیرد برای تشدید آن قوانین جدید وضع کند، چیست؟ چه زمانی قرار است بپذیریم که قانونی در یک حوزه‌ای شکست خورده است؟

قانونی است که حاکمیت با مسامحت با آن برخورد کرده و شرایط و اقتضائات روز را در نظر گرفته است. مثلا دختر دهه هشتادی تغییر کرده و می‌گوید من می‌خواهم این شکلی باشم، واقعا با او کاری ندارند. ممکن است چارچوب قانون و فقه را رعایت نکرده باشد؛ اما با او کاری ندارند. الان محل بحث ما حجاب شرعی نیست، محل بحث ما برهنگی و پوشش است. کم کسانی را می‌بینید که نیمه‌برهنه هستند؟

◆ از بحث حجاب بگذریم و به اصل ۲۷ قانون اساسی برسیم. اصول اجرانشده کم نداریم. بین صحبت‌های‌تان به مقوله آزادی برگزاری تجمعات اشاره کردید.

ما در این زمینه نشستی هم برگزار کردیم. حتی شخصا با آقای محقق‌داماد صحبت و از ایشان دعوت کردم. رویکرد آقای رئیس‌جمهوری همین است. من هم از زمانی که حکم گرفتم، گفتم من نه اصولگرا هستم و نه اصلاح‌طلب.

◆ اگر بخواهید بله یا خیر پاسخ دهید، اصل ۲۷ قانون اساسی اجرا شده یا خیر؟

من بله یا خیر جواب نمی‌دهم. وکیل هستم و خیلی حرف می‌زنم. بله یا خیر جواب‌دادن غلط است. اگر در بازجویی هم بله یا خیر پاسخ دهید که نابود می‌شوید!

◆ طور دیگری سؤال را می‌پرسم؛ بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی، برای برگزاری تجمعات نیاز به اخذ مجوز است؟

من مقاله‌ای نوشتم و اتفاقا آقای رئیسی این مقاله را دید و به من مسئولیت داد. نظرم هم مخالف نظر برخی استادان خودم در حوزه حقوق عمومی است. اصل ۲۷ اصل ملت است. منِ مردم نمی‌خواهم عضو هیچ گروه، حزب و جناحی باشم، اما نقدی هم به حاکمیت دارم. اصل ۸ قانون اساسی سه‌گانه‌ای را تعریف می‌کند: خیرخواهی مردم بر حاکمیت، خیرخواهی دولت برای مردم و خیرخواهی مردم برای دولت. تاکنون برای اصل ۲۷ سازوکار مستقلی نبوده است. در این دولت برای اولین بار، این سازوکار تحت عنوان یک لایحه تقدیم مجلس شد. الان من با افتخار می‌گویم؛ اگرچه به این لایحه نقد جدی دارم و نظرات ترمیمی و تخصصی خود را درباره اصل ۲۷ تقدیم رئیس‌جمهوری کرده‌ام.

◆ به همین لایحه بپردازیم. ماده ۲ این لایحه، برگزاری تجمعات مذهبی و... را بی‌نیاز از مجوز اعلام می‌کند. این تبعیض نیست؟

یک مسئله این است که مگر تاکنون این تجمعات نیاز به مجوز داشته است؟ اما به‌طور کلی نقد شما را من هم مطرح کردم. با رئیس‌جمهوری این نقد را مطرح کردم و ایشان به معاونت حقوقی ارجاع داد. در همین سلسله‌نشست‌هایی که گذاشتیم، اولین نشست درباره حق برگزاری تجمعات و نشست‌ها بود. استادان هم نقد داشتند. آقای برهانی هم در این نشست حضور داشت. خیلی هم به من فحش دادند که چرا آقای برهانی هم در این نشست بوده است. درصورتی‌که من گرجی، محقق‌داماد، علیدوست و حکمت‌نیا را هم دعوت کردم. همه را دعوت کردم. اصلاح‌طلب و اصولگرا هم برای من فرقی نداشت. به قول حاج قاسم برای من اصلاح‌طلب و اصولگرا موضوعیت ندارد، بلکه حق ملت موضوعیت دارد. البته این نشست‌ها هم‌زمان شد با تعطیلی دانشگاه‌ها و خیلی از استادان نتوانستند حضور داشته باشند. اگر استادان اجازه دهند و بتوانیم رسانه‌ای کنیم، خواهید دید که چه کاری صورت می‌گیرد.

یکی از محل‌های مناقشه من در مورد این لایحه، ماده ۲ بود. من معتقد بودم که این حشو است و باید حذف شود. اصلا چرا باید بگوییم؟ مگر تا بوده هیئت‌های مذهبی مجوز می‌گرفتند؟ اصلا نیازی نیست که باشد. ما سنت بست‌نشینی در مسجد را داشته‌ایم.

◆ ماده ۲۸ این لایحه یکی از عجیب‌ترین شروط شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات است. در این ماده گفته شده باید به نحوی در تجمعات شرکت کنید که چهره به صورت کامل مشخص باشد. این موضوع را چطور تفسیر می‌کنید؟

ملت ایران در خیلی مسائل داغدار شد. همین ناآرامی‌های اخیر حزن‌انگیز است. برخی کشته شدند و خیلی‌ها از مجازات قسر دررفتند. شاید نوع بیان و ادبیات این ماده مأنوس با حقوق نیست. به همین دلیل است که می‌گوییم ادیب، جامعه‌شناس و روان‌شناس در این امر باید مشارکت داشته باشند. این نقدهایی که شما مطرح می‌کنید، کمک شما به دولت است. من قدر می‌دانم. برخی نقدهایی را که شما مطرح کردید، من هم داشتم.

◆ جالب است که شما از کلیدواژه‌هایی استفاده می‌کنید که ایشان استفاده نمی‌کنند؛ مثلا اعتراضات ۱۴۰۱ را اغتشاشات عنوان می‌کردند.

ایشان در حکم من برای عضویت در کمیته بررسی حوادث ۱۴۰۱ نوشته است «ناآرامی‌ها». حتی ما سازوکاری طراحی کردیم و به‌زودی گزارش‌ها در سایت کمیته بارگذاری می‌شود؛ در این گزارش‌ها هم ادبیات همین است و از همین اصطلاحات استفاده می‌شود. ما باید گفت‌وگو کنیم. در جامعه ما سطح گفت‌وگو به ابتذال کشیده شده است. اگر گفت‌وگو کنیم، نقاط مشترک بسیاری داریم. اگرچه ممکن است دلخوری‌هایی از هم یا از حاکمیت داشته باشیم.

◆ به کمیته پیگیری ناآرامی‌های اخیر اشاره کردید؛ چه موضوعاتی در این کمیته بررسی شده و چه نتایجی حاصل شده است؟

من نمی‌توانم داده‌ای از این کمیته به شما بدهم، اما می‌توانم بگویم که آنچه تا الان توسط کمیته پیگیری ناآرامی‌های اخیر انجام شده، بر روی سایت قرار می‌گیرد. مکانیسمی تعریف کردیم که پیشرفته و مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی برای بررسی است. هم گزارش میدانی داریم و هم با افرادی که به هر نوعی درگیر حوادث شده‌اند، صحبت شده است. با کسانی که آسیب جسمی یا روحی دیده‌اند، صحبت شده است. استانداردها بین‌المللی است. حتی فرایند تعیین خسارت هم داریم. افرادی که فوت کردند نیز مشخص می‌شود که در چه دسته‌ای قرار می‌گیرند یا دیه و خسارات به چه کسی و از سوی چه کسی باید پرداخت شود. همه اینها شفاف‌سازی می‌شود. مقرر شده است برای کمیته سخنگویی تعیین شود تا به سؤال‌ها و ابهام‌ها پاسخ دهد.

◆ مقوله چشم‌ها را بررسی کردید؟

فعلا در مقدمات هستیم.

◆ تعداد کشته‌ها احصا شده؟

آمار کشته‌ها را باید از نهادهای حاکمیتی بگیریم. نامه‌ها رفته و در مرحله جمع‌آوری هستیم.

◆ تعداد بازداشتی‌ها چطور؟

همه در مرحله تحقیقات است. البته با عفو معیاری رهبری عملا بازداشتی نداریم. این عفو معیاری هم که خیلی کم اتفاق افتاده، یک پیشرفت کیفری است و نوآوری به حساب می‌آید.

◆ بین صحبت‌ها به فضای مجازی اشاره کردید. با این نگاه، فیلترینگ در دولت آقای رئیسی چه سرانجامی خواهد داشت؟ به نظر شما فیلترینگی که در دولت آقای رئیسی صورت گرفت، گسترده‌ترین فیلترینگ تاریخ جمهوی اسلامی نبود؟

نگوییم دولت آقای رئیسی. فراتر از دولت است. شما رسانه‌ای‌ها باید خیلی دقت کنید. حتما به متن حکم‌ها توجه کنید. مثلا آقای رئیسی برای آقای آقامیری حکمی زدند که در بند ۱۱ مأموریت ایشان، تاکید شده که در سیاست‌های مسدودسازی بازنگری صورت گیرد. من به ایشان نامه زدم و از ایشان خواستم که توضیح بدهد چه بازنگری‌ای کرده است. حتی گفتم نامه را توییت می‌کنم. دوستان دولت هم به شوخی به من می‌گویند تو را به خدا توییت نکنید. ایشان به من گفت کارهایی کردیم. هیچ‌کس با سیاست فیلترینگ کلی موافق نیست. اصل بر آزادی در همه ساحات است. برای همین قانون اساسی ما موضوع آزادی بیان را مطرح می‌کند.

◆ اگر فیلترینگ سیاست دولت نیست، دولت و مشخصا شما چه کاری در مورد این نقض بزرگ حقوق آزادی اجتماعی مردم کرده‌اید؟

باید موازنه‌ای برقرار کنیم. چالش اصلی در حوزه آزادی‌ها، بحث امنیت هم هست. باید این دو را بالانس کنیم. امنیت یکی از حق‌های بشریت است.

◆ پس اگر از جمله شما وام بگیرم، یعنی در قبال سیاست‌های حاکم برای نقض حقوق آزادی‌های اجتماعی، دولت هم کاری نمی‌تواند بکند.

شما از حرف ما وام نگیرید، اصل حرف را بگویید. برای آقای رئیس‌جمهوری و دولت سیزدهم حقوق و آزادی‌های اجتماعی موضوعیت و اصالت دارد. برای همین فردی را برای این موضوع انتخاب کرده است. شما اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر را هم بخوانید، یکی از این حقوق، حق بر امنیت است. میثاقین را هم بخوانید، همین است. حق بر امنیت یکی از حقوق اولیه بشری است. اصلا کارکرد دولت‌ها ابتدا تأمین امنیت بوده بعد دولت‌های رفاهی به لحاظ سیاسی شکل گرفته است. دولت در بحث تأمین امنیت شهروندانش وظیفه ذاتی دارد، ولی باید بتواند این را ارتقا بدهد تا سایر حق‌ها را هم هم‌زمان اجرا کند و این کار را در حد توان انجام می‌دهد. سایر کشورها را هم ببینید، حدود و سطوحی از فیلترینگ را دارند. آزادی را در ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر می‌بینیم که تحدید می‌شود؛ یعنی جایی که بهداشت یا مقررات عمومی را نقض کند، برایش حد تعیین می‌شود.

امنیت هم اهمیت دارد. الان پلتفرم تیک‌تاک در آمریکا فیلتر است. فرهنگ آمریکایی برایشان اهمیت دارد. آمریکا با فرهنگش خودش را غالب و تحمیل می‌کند؛ چون می‌بیند فرهنگ آمریکایی مخدوش می‌شود، پس راهکارش فیلترینگ است.

◆ به عنوان سؤال آخر، فیلترینگ در ایران قرار است به پیش از شهریور ۱۴۰۱ بازگردد یا نه؟

من تصمیم‌گیرنده نیستم و نمی‌توانم پاسخ دهم. من امیدوارم. رویکرد دولتی که من در آن مسئولیت دارم، این است که حداکثر آزادی با حفظ عقلانیت و قاعده‌مندی باشد.

مشروح گفت‌وگو را در سایت شبکه شرق بخوانید